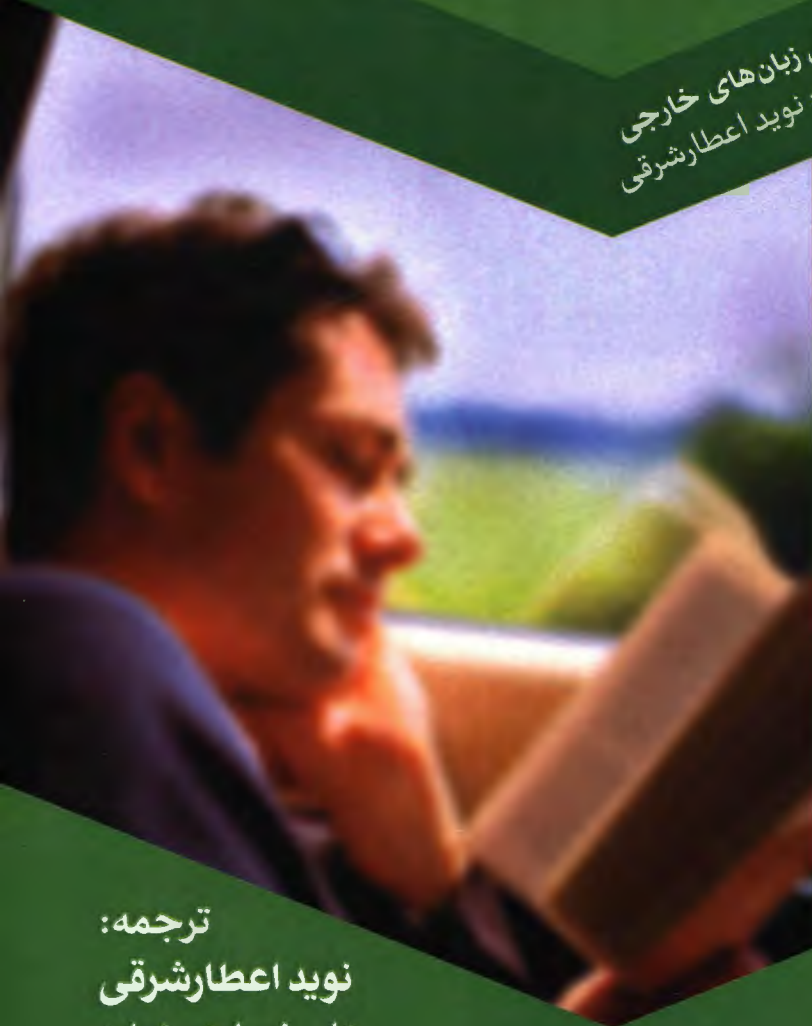




کلودت کورنر
کلود ژرمن

دری خوانداری

از مجموعه آموزش زبان‌های خارجی
ناظر علمی: نوید اعطارشرقی



ترجمه:
نوید اعطارشرقی
علی نساجی زواره

درک خواننداری



-
- | | |
|--|----------------------|
| Cornaire, Claudette / کورنیر، کلودت | سرشناسه: |
| درک خواننداری/کلودت کورنیر، کلود ژرمن : ترجمه نوید اعطارشرفی، علی نساجی-زواره. | عنوان و نام پدیدآور: |
| تهران: نشر خاموش، ۱۳۹۶. | مشخصات نشر: |
| ۲۰۰ ص، ۲۱/۵×۱۴/۵ س.م. | مشخصات ظاهری: |
| ۹۷۸-۶۲۲۰۶۰۳۶-۲۵-۲ | شابک: |
| فیبا | وضعیت فهرست نویسی: |
| عنوان اصلی: Le point sur la lecture, 2007. | یادداشت: |
| نمایه | یادداشت: |
| خواندن | موضوع: |
| Reading | موضوع: |
| زبان -- راهنمای آموزشی | موضوع: |
| Language and languages -- Study and teaching | موضوع: |
| ژرمن، کلود، ۱۹۴۱ - م. | شناسه افزوده: |
| Germain, Claude | شناسه افزوده: |
| اعطارشرفی، نوید، ۱۳۴۹ -، مترجم | شناسه افزوده: |
| Atar Sharghi, Navid | شناسه افزوده: |
| نساجی زواره، علی، ۱۳۶۶ -، مترجم | شناسه افزوده: |
| LB۱۰۵۰/ک۰۱۳۹۷ | رده بندی کنگره: |
| ۳۷۲/۴ | رده بندی دیویی: |
| ۵۴۳۰۰۳۲ | شماره کتابشناسی ملی: |
-

درک خوانداری

کلودت کورنر، کلود ژرمن

ترجمه:

دکتر نوید اعطار شرقی

عضو هیئت علمی دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)

علی نساجی زواره

از مجموعه آموزش زبان های خارجی

ناظر علمی مجموعه:

دکتر نوید اعطار شرقی



این کتاب ترجمه‌ایست از
Le point sur la lecture, 2007

Claudette Cornaire

Claude Germain



نام کتاب:	درک خوانداری
نویسنده:	کلودت کورنر، کلود ژرمن
ترجمه:	نوید اعطار شرقی / علی نساجی زواره
ویرایش:	نشر خاموش
طرح جلد و صفحه‌آرایی:	مجید شمس‌الدین
لیتوگرافی، چاپ و صحافی:	چاپ دیجیتال نقطه
چاپ / شمارگان:	اول ۱۳۹۶ / ۳۰۰ نسخه
قیمت:	۳۰۰۰ تومان
شابک:	۹۷۸-۶۲۲-۶۰۳۶-۲۵-۲

کلیه حقوق این اثر برای نشر خاموش محفوظ است.

ارتباط با نشر خاموش: ۰۹۱۲۰۱۷۸۱۹۴ | ۰۹۱۳۱۷۸۱۹۲۰

www.khamooshpub.ir | www.khamooshpub.com | @khamooshpubch

تهران، ولنجک، خیابان گلستان سوم، پلاک ۳، همکف

هرگونه کپی‌برداری، برداشت و نقیصه‌ای از تمام یا قسمتی از این اثر، منوط به اجازه‌ی ناشی باشد.

مرکز پخش: پخش ققنوس، میدان انقلاب، خیابان منیری جاوید (آردیبهشت)، بن‌بست مبین، شماره ۴
تلفن: ۶۶۴۰۸۶۴۰ / ۶۶۴۶۰۰۹۹

مرکز پخش: پخش چشمه، بلوار دماوند، بعد از سه راه تهران پارس بلوار اتحاد، اتحاد ۱۱، پلاک ۸
تلفن: ۷۷۷۸۸۵۰۲ / ۷۷۱۴۴۸۰۸ / ۷۷۱۴۴۸۲۱

فروشگاه: کتاب‌فروشی توس، خیابان انقلاب، نشر خیابان دانشگاه، پلاک ۱۷۸
تلفن: ۶۶۴۶۱۰۰۷

Même plus d'une vingtaine d'années après
sa parution, la synthèse de Mme Cornaire
reste un incontournable pour tous les
enseignants d'une langue seconde ou étrangère.

C'est pourquoi il me fait grandement plaisir d'accorder
la permission à Dr. Navid ATAR SHARGHI d'en
faire la traduction en langue persane, aux fins de
publication aux éditions Khamoush.

Claude Germain, professeur émérite
Université du Québec à Montréal (UQAM)

mai 2017

حتی پس از گذشت بیست سال از چاپ اول این کتاب، اثر خانم
کورنرمنبعی ضروری برای همه مدرسان زبان دوم یا خارجی است.

از این روی، باعث بسی خرسندی است که اجازه ی ترجمه ی
کتاب را به فارسی، برای چاپ توسط نشر خاموش، به آقای دکتر
نوید اعطار شرفی اعطا کنم.

کلود ژرمن

استاد ممتاز دانشگاه کبک در مونترال

ماه مه ۲۰۱۷

فهرست

پیشگفتار مجموعه	۱۱
سخن مترجمان	۱۴
دیباچه	۱۷
بخش اول: نگاهی به گذشته	۲۱
فصل اول: جایگاه خواندن در چند رویکرد آموزشی	۲۳
بخش دوم: سنتز	۳۵
فصل دوم: خواندن در زبان مادری	۳۶
ب) سازمان حافظه و عملکرد آن در پردازش اطلاعات	۴۱
فصل سوم: الگوهای خواندن	۴۷
الف) الگوهای خواندن در زبان مادری	۴۷
۱- الگوهای پایین به بالا	۴۹
۲- الگوهای بالا به پایین	۵۰
۳- الگوهای دوسویه	۵۱
۱-۳- نظریه‌ی طرحواره‌ها	۵۲

۵۶.....	۲-۳- الگوی دشن.....
۶۲.....	ب) الگوهای خواندن در زبان دوم.....
۶۲.....	۱- چند الگوی دو سویه اخیر.....
۶۶.....	۲- الگوی موآران.....

فصل چهارم: مهارت‌ها و راهبردهای خواننده‌ی خوب..... ۶۹

۶۹.....	الف) مهارت‌ها و راهبردها در زبان مادری.....
۷۷.....	ب) چند راهبرد خواندن در زبان دوم.....

فصل پنجم: خواندن در زبان دوم..... ۸۳

۸۴.....	الف) ویژگی‌های خواندن.....
۸۵.....	ب) منشا مشکلات.....

فصل ششم: مطالعات متن‌پژوهی..... ۹۱

۹۱.....	الف) در زبان مادری.....
۹۲.....	۱- مطالعات صوری (فرمی).....
۱۰۰.....	۲- مطالعات بافتی.....
۱۰۲.....	۳- مطالعات معنایی.....
۱۰۵.....	ب) در زبان دوم.....
۱۰۶.....	۱- مطالعات صوری.....
۱۱۲.....	۲- مطالعات بافتی.....
۱۱۳.....	۳- مطالعات معنایی.....

فصل هفتم: اقدامات آموزشی..... ۱۲۱

الف) طرح و برنامه خواندن و مراحل آن.....

۱۲۲

ب) آموختن درک از طریق راهبردهای خواندن..... ۲۸

بخش سوم: چشم انداز پژوهش های آتی..... ۵۷

فصل هشتم: چند گرایش تکمیلی نوین..... ۵۹

منابع..... ۷۱

ضمیمه..... ۷۹

پیشگفتار مجموعه

آموزش زبان‌ها، قدمتی بسیار دیرین دارد و به عقیده‌ی کلود ژرمن^۱ به پنج هزار سال قبل بازمی‌گردد. در قرن بیستم، در جریان پیشرفت سریع علم و فن‌آوری، آموزش زبان نیز دستخوش تحولات فراوانی شد و رویکردهای گوناگونی برای آموزش مهارت‌ها و زیرمهارت‌های زبانی از سوی متخصصان این علم ارائه و تجربه شد. این روند در قرن حاضر نیز ادامه دارد. در مسیر این تحولات، همواره بین شیوه‌های قدیمی و رویکردهای جدیدتر کشمکش‌هایی وجود داشته است. باری همان‌طور که آلبرت راش^۲، زبان‌شناس آلمانی بیان می‌کند "هرپدیده‌ی مدرنی در

1. Germain, Claude. 1993. *évolution de l'enseignement des langues: 5000 ans d'histoire*. Paris, France: CLE International.

2. Raasch, Albert. 2001. Didactique « langue-culture-impact » : une didactologie nouvelle? *Ela. Etudes de la linguistique appliquée*, 123-124(3), 349-356. <http://www.cairn.info/revue-ela-2001-3-page-349.htm>.

گذر زمان به قدیمی تبدیل می شود و این چرخه همچنان ادامه دارد..."

این ها همه براین نکته دلالت می کنند که تحولات و پیشرفت های علمی به نوعی تکمیل کننده ی دستاوردهای پیشین هستند و گذشته و حال، زمینه ای برای پیشرفت های آینده می باشند. به عنوان نمونه می توان به این مورد اشاره کرد که پس از ظهور رویکردهای جدید آموزشی در قرن بیستم، آموزش دستور (به شیوه ی دستور-ترجمه) کاملاً کنار گذاشته شد، اما پس از گذشت چندین سال، متخصصان آموزش زبان دوباره به آموزش دستور، البته با روش هایی علمی تر روی آوردند.

زبان، محمل اندیشه است و در نتیجه رابطه ی تنگاتنگی با فرهنگ و بینش افراد و اقوام دارد. هر زبان ویژگی های خود را دارد. در ایران اکثر منابع آموزش زبان از زبان انگلیسی ترجمه شده یا براساس منابع انگلیسی تالیف شده اند و این مسئله نوعی محدودیت در بینش را به همراه داشته است. لذا جای آن دارد که مترجمان زبان های مختلف منابع آموزشی معتبر را به فارسی ترجمه کنند تا استادان، پژوهشگران و دانشجویان با عقاید و تفاسیر گوناگون آشنا شوند.

در همین خصوص، بنا به درخواست مدیر محترم نشر خاموش تصمیم گرفتیم با کمک همکاران و مترجمان زبان فرانسوی تعدادی از کتاب های معتبر و بسیار سودمند آموزش زبان را در قالب مجموعه ای به نام «آموزش زبان های خارجی» به فارسی ترجمه کنیم تا در اختیار علاقمندان قرار گیرد.

چند عنوان اول از مجموعه ای از تحت عنوان "Didactique des langues étrangères" انتخاب شده است. مجموعه ی بسیار با

ارزشی که زیر نظر روبرت گالیسون^۱، یکی از استادان ممتاز آموزش زبان، توسط انتشارات CLE International در فرانسه چاپ شده است. نویسندگان کتاب ها همه از استادان و متخصصان برجسته ی این حوزه هستند. برخی از عناوین قبلا در مجموعه ی “Le Point sur...” زیر نظر کلود ژرمن، استاد برجسته ی آموزش زبان، در کانادا به طبع رسیده بود. به عقیده ی این جانب کتاب های انتخاب شده بسیار سودمند هستند و خواندن آنها را به استادان و دانشجویان رشته های زبان شناسی، آموزش زبان، آزفا و همچنین معلمان گرامی توصیه می کنم.

دکتر نوید اعطار شرقی

ناظر علمی مجموعه

سخن مترجمان

خواندن و درک متن فرایندی شخصی و پیچیده است که شامل مراحل گوناگونی می‌شود مانند مشاهده و ادراک چشمی و شناختی واژگان، درک رابطه‌ی بین کلمات و مفهوم آنها، ادراک ساختار نحوی زنجیره‌های واژگانی، کشف ایده اصلی متن و هدف نویسنده و درنهایت ارزیابی و نتیجه‌گیری از متن.

بسیاری از پژوهشگران همچون سیکورل (Cicurel) بر این باورند که خواندن مستلزم کنش متقابل بین متن و دانش خواننده است و ادراک متن آمیزه‌ای است از تشخیص و بازشناسی عناصر رمزگان زبانی و دانسته‌های خواننده. به عبارت دیگر خواندن را می‌توان به منزله‌ی کنش متقابل بین توانش زبانی و توانش فرهنگی فرد در نظر گرفت. خواننده در واقع در خلال انجام عمل خواندن، معنای متن را

در نمی یابد، بلکه به واسطه‌ی فرایندهای پیچیده‌ی ادراکی، ذهنی، زبان‌شناختی، معناشناختی و اجتماعی، معنای متن را به شیوه‌ی خود و برای خود دوباره می‌سازد.

از نظر آموزشی، خواندن، مهارتی اکتسابی است و اهمیت بسیاری در موفقیت تحصیلی و حتی در زندگی روزمره دارد. آموزش مهارت خواندن در زبان مادری، یکی از مهمترین و اساسی‌ترین اهداف معلمان در مدارس است. اهمیت و نقش این مهارت در یادگیری زبان دوم/خارجی دو چندان است. به عقیده‌ی بسیاری از متخصصان آموزش زبان، مهارت درک خوانداری مبنای سایر مهارت‌ها همچون درک شنیداری، تولید نوشتاری و بیان شفاهی است و تقویت آن، اکتساب مهارت‌های دیگر را آسان‌تر می‌کند.

در کتاب "درک خوانداری" مباحث نظری مربوط به جنبه‌های گوناگون فرایند خواندن در زبان مادری و در زبان دوم/خارجی مورد بررسی قرار می‌گیرد و مباحث مهمی از قبیل الگوهای خواندن، ویژگی‌های خواننده‌ی خوب، منشا مشکلات و تدابیر آموزشی مفید مطرح می‌شود. خواندن این کتاب نه تنها برای مدرسان و استادان زبان‌های خارجی، بلکه برای معلمان و دبیران مدارس نیز بسیار سودمند خواهد بود.

دکتر نوید اعطار شرقی

علی نساجی زواره

دیباچه

عمل خواندن فعالیتی بسیار پیچیده است که مستلزم وجود خواننده و متن می باشد و کنشی بین این دو ایجاد می کند. کلودت کورنر^۱ استاد زبان فرانسوی به عنوان زبان دوم در دانشگاه اتاوا، برای نخستین بار در زمینه ی آموزش زبان های دوم و خارجی و به علاوه زبان فرانسوی مطالعه ای را در مورد جنبه های گوناگون این فرایند پیچیده ارائه می دهد و به طور خلاصه ولی قابل درک موضوع را مورد بررسی قرار می دهد.

خانم کورنر بعد از نگاهی کوتاه به گذشته ی جایگاهی که خواندن در پنج رویکرد (سنتی^۲، ساختاری-رفتارگرا^۳، ساختاری کلی دیداری-

1. Claudette Cornaire

2. Approche traditionnelle

3. Approche Structuro-behaviorste

شنیداری^۱، شناختی^۲ و ارتباطی^۳ دارد، تحقیقات گذشته و اخیر در زمینه‌ی خواندن را بررسی می‌کند و اصولی که کم و بیش متخصصین این حوزه مورد نظر قرار نمی‌دهند را استخراج می‌کند. از آن جاکه تحقیقات در مورد خواندن در زبان دوم به کارهای صورت گرفته در زبان مادری، به خصوص در زبان انگلیسی متکی هستند، خانم کورنر بررسی‌ها و جمع‌بندی‌اش را از این کارها شروع کرده است. در این دورنما، وی در ابتدا به خواننده، کنش میان خواننده و متن و در پایان با دقتی ویژه به متن می‌پردازد و در هر مورد خصوصیات خواندن در زبان دوم را با نگاهی به کارهای صورت گرفته در زبان مادری استخراج می‌کند.

به همین دلیل است که ابعاد گوناگون مرتبط با خواننده مورد بررسی قرار می‌گیرد: ادراک دیداری، سازمان‌مندی حافظه و پردازش اطلاعات، الگوهای فرایند خواندن و مهارت‌ها و راهبردهای خواننده‌ی خوب. مطالعات مربوط به کنش و تاثیر متقابل بین خواننده و متن، در الگوهای ادراکی دشن^۴ (۱۹۸۸) و موآران^۵ (۱۹۷۹) با هم تلفیق می‌شوند. تحقیقات متنی مواردی همچون دستورالعمل‌ها یا فرمول‌های خوانایی، ساختارهای متنی، مطالعات بافتی و مطالعات معنایی را در بر می‌گیرند.

1. Approche Structure-globale audio-visuelle

برای این رویکرد عناوین رویکرد ساختاری کلی سمعی بصری یا رویکرد سمعی بصری ساخت یکپارچه و هم چنین رویکرد سگو (SGAV) نیز به کار می‌رود. (مترجمان).

2. Approche cognitive

3. Approche communicative

4. Deschênes

5. Moirand

نتیجه‌گیری از این تحقیقات امکان تجلی برخی نکات را فراهم می‌کند که می‌توانند راهگشای اقدامات مدرسان زبان دوم باشند. در این راستا، خانم کورنر به عنوان استاد زبان دوم، ابتدا با توجه به برنامه و طرح خواندن و همچنین مراحل مختلف خواندن و سرانجام آموزش راهبردهای خواندن، چارچوبی عملی را برای استادان زبان دوم طرح‌ریزی می‌کند.

خانم کورنر در آخرین بخش کتابش محتاطانه به تمرینی مرتبط با آینده می‌پردازد و آن را به شکل چندین رهنمون برای تحقیقات پیش‌رو در نظر می‌گیرد، تحقیقاتی که بیشتر خواننده را مورد نظر قرار می‌دهند تا متن. به نظر می‌رسد که چالش اساسی بر سر راه آینده‌ی حوزه‌ی خواندن در زبان دوم، حفظ تعادل مابین ویژگی‌های خواننده، از جمله علایق و دانش قبلی وی و ویژگی‌های متن، همانند معیار انتخاب، ساختار متنی و غیره خواهد بود.

کلود ژرمن^۱

دانشگاه کبک در مونترآل

بخش اول

نگاهی به گذشته

فصل اول

جایگاه خواندن در چند رویکرد آموزشی

آموزش زبان‌های دوم با تغییرات همیشگی رو به رو بوده است؛ تغییراتی که با تناوب موقعیت‌های واگرا و حتی گاهی متضاد، در جریان رویکردهای گوناگونی که دنبال می‌کردند، ایجاد می‌شده است. هماهنگ و متناسب با جریان‌های فکری دوره‌های مختلف، آموزش زبان نوشتاری و به صورت غیرمستقیم آموزش خواندن، به مانند «حرکت آونگ» است که گاهی در برنامه‌های آموزشی به اوج خود می‌رسد و گاهی به حاشیه رانده می‌شود.

در میان رویکردها یا جریان‌های فکری که آموزش زبان‌ها را تحت تاثیر قرار داده‌اند، برجسته‌ترین آن‌ها، یعنی رویکردهای سنتی،

ساختاری- رفتارگرا، ساختاری کلی دیداری- شنیداری، شناختی و ارتباطی را مورد بررسی قرار خواهیم داد. بازگشتی کوتاه به هر رویکرد و جهت گیری نظری وابسته اش، باعث می شود که این رشته را به مثابه ترکیب آموزش/ یادگیری خواندن در زبان دوم بهتر درک کرده و نقاط قوت تجربه های گذشته را برجسته تر کنیم.

رویکرد سنتی

بسیار سخت است که به طور دقیق شروع و پایان هر دوره را مشخص کنیم. می توان گفت رویکرد سنتی که بیشتر برای آموزش زبان های کلاسیک مانند لاتین و یونانی به کار می رفت، در مطالعه زبان های زنده از پایان قرن ۱۶ مورد استفاده بوده است. این رویکرد در قرن ۱۹ به موفقیت چشمگیری دست یافت و استفاده از آن در کشورهایی با فرهنگ اروپایی و در امریکای شمالی تا پایان دهه ی ۵۰ ادامه یافت.

رویکرد سنتی متکی بر فرضیه ای بود که ساختاری جهانی برای زبان ها متصور می شد. کلمات (واژگان) در این ساختار سبب تفاوت های موجود میان زبان ها هستند. به علاوه نوشتار و به طور خاص ادبیات به مثابه الگوهای یادگیری زبان در نظر گرفته می شدند، بنابراین زبان آموز بایستی به این نوع متون دسترسی پیدا می کرد.

این طور در نظر گرفته می شد که خواندن به واسطه ترجمه، میان زبان مادری و زبان دوم (خارجی) تناسب برقرار می نماید. دایره ی واژگانی قوی (به دست آمده از فهرست های کلمات)، دانش دستوری (که از قواعد به کار رفته در متون نویسندگان بزرگ به دست آمده) و اجرای

نظام‌مند تمرین‌های ترجمه و برگردان ضامن موفقیت این رویه، یعنی گذرازی یک دانش به مهارت بهینه بوده‌اند.

واضح است که این رویه‌ی خطی و کاملاً مصنوعی، با تکیه بر شبکه‌ای از معادل‌های دوزبان زمینه را برای یادگیری حقیقی خواندن آماده نمی‌کرد چراکه حداکثر چیزی فراتر از ترجمه و تحلیل متن ارائه نمی‌کرد.

رویکرد ساختاری- رفتارگرا

ریشه‌های رویکرد ساختاری- رفتارگرا را می‌توان در شیوه‌ی آموزشی ارتش ایالات متحده در حدود سال ۱۹۴۵ یافت؛ زمانی که ارتش از این روش برای آموزش سریع و موثر زبان‌های خارجی به کادرش استفاده می‌نمود. این نوگرایی روش شناختی به‌زودی و با اشاعه روش شنیداری- گفتاری در آموزش عمومی زبان‌های خارجی گسترش یافت. مبانی نظری این رویکرد بر الگوی ساختارگرایانه^۱ بلومفیلد^۲ بنا نهاده شده است که با نظریه‌های رفتارگرایانه^۳ در خصوص شرطی‌سازی^۴ درآمیخته است.

به بیان ملموس‌تر این رویکرد، یادگیری یک زبان را به مثابه فرایندی خودکار در نظر می‌گیرد. در این فرایند دانشجو مجموعه‌هایی از خرده نظام‌ها^۵ را (که بخشی از نظام زبان شناختی در حال یادگیری را تشکیل می‌دهند) فرا می‌گیرد. اکتساب این خرده نظام‌ها از طریق تمرین‌هایی که هدفشان خلق عادات یا شدت بخشیدن به فرایند خودکار شدن

-
1. Structuraliste
 2. Bloomfieldien
 3. Théories behavioristes
 4. Conditionnement
 5. Micro- système

عادت‌ها است، رخ می‌دهد.

ازاین‌پس هدف مورد نظر، آموختن زبان گفتاری است. زبان نوشتاری، به طور خاص خواندن، تنها زمانی مورد توجه قرار می‌گیرد که احساس می‌شود زبان آموز نظام آوایی آن زبان را به طور کامل آموخته است. تنها چیزی خوانده می‌شود که به طور شفاهی یاد گرفته شده است. این بدین معناست که نوشتار وابسته به گفتار است.

عموما، محتوای آموزشی رایج در دوره (۱۹۶۰-۱۹۷۰) برای زبان‌های فرانسوی، آلمانی، روسی و اسپانیایی شامل متونی می‌شد که پیشرفت دستوری دقیقی را دنبال می‌کردند و در مورد موضوعات زندگی روزمره بودند. این متون در پایان هر درس به دانشجویان داده می‌شد: خواندن با صدای بلند و با تکیه بر تلفظ صحیح هجاها و کلمات صورت می‌گرفت و این فعالیت اغلب با چندین سوال درک مطلب متن که به صورت شفاهی پاسخ داده می‌شد، به پایان می‌رسید.

برحسب چنین نگرشی، خواندن فقط نوعی تمرین نظام‌مند (drill) است، شیوه‌ای کم‌وبیش شناخته شده برای تقویت گفتار که هیچ قصدی برای آماده‌سازی دانشجو برای "خواندن معنا"ی پیام در آن موجود نیست.

رویکرد ساختاری کلی دیداری شنیداری

افتخارارائه مبانی نظری اولیه رویکرد ساختاری کلی دیداری شنیداری در سال ۱۹۵۳ به گوبرینا^۱ از موسسه آواشناسی دانشگاه

زاگرب^۱ یوگوسلاوی^۲ (سابق) باز می‌گردد. این رویکرد با عنوان SGAV نیز نامیده می‌شود. گوبرینا (۱۹۶۵) با تکیه بر نظریه‌ی گشتالت^۳ (ادراک کلی فرم) بیان می‌کند که در یادگیری یک زبان خارجی تمام تلاش باید بر درک معنای کلی ساختار یعنی سازماندهی زبان شناختی صورتی متمرکز باشد و اگر عناصر «شنیداری» و «دیداری» موجود باشند، این ادراک تسهیل خواهد شد. چراکه یادگیری یک زبان خارجی از طریق حواس-گوش و چشم-انجام می‌گیرد.

کتاب صداها و تصاویر فرانسه^۴ (۱۹۶۲) که در دهه ۶۰ میلادی با موفقیت زیادی همراه شد، این اصول را به کار گرفته بود. آموزش زبان خارجی در این روش و از طریق موقعیت‌های موجود در تصاویر، به مثابه ابزاری برای بیان و ارتباط مطرح می‌شد. هرچند چهار مهارت در این روش ارائه شده است، اما باید توجه داشت که متن‌های خواندن تنها از درس ۲۲ ظاهر می‌شوند (دروس سطح اول). لازم به ذکر است که تمرین خواندن با آموزش ریتم و لحن و نیز با آموختن مواردی هم‌چون جابجایی مکث‌ها، برقراری پیوند آوایی^۵ میان کلمات، جای تکیه صدا^۶ و ... به دانشجویان صورت می‌گیرد. تقلید دقیق لحن و ریتم بر درک پیام ترجیح داده می‌شود و این بدین معناست که نوشتار قربانی زبان گفتاری و به طور اخص تلفظ می‌گردد که عنصر اصلی آموزش یک زبان خارجی است.

1. Institut de phonétique de l'université de Zagreb

2. Yougoslavie

3. Gestalt

4. Voix et Images de France

5. Liaison

6. Accent tonique

رویکرد شناختی

در آغاز دهه ۷۰ میلادی، شناخت‌گرایانی مانند آزوبل^۱ و کارول^۲ (۱۹۷۱) الگوی جدیدی برای توضیح یادگیری زبان‌ها مطرح کردند. این رویکرد که از سایر روش‌ها بسیار منعطف‌تر است، در آموزش زبان‌ها مورد استفاده قرار گرفت و هنوز هم به کار گرفته می‌شود. این رویکرد به مثابه تلاشی برای به‌روز کردن رویکرد سنتی با استفاده از برخی نقاط قوت رویکرد ساختاری-رفتارگرا در نظر گرفته شد.

این رویکرد جدید بر اصول روان‌شناختی زیراستوار بود:

برای درک یادگیری، بایستی ساختار شناختی زبان‌آموز مورد نظر قرار بگیرد: ساختار شناختی عبارت است از نظام دانسته‌ها که در دسته‌هایی از مفاهیم سازمان یافته‌اند، به عبارت دیگر همان مجموعه دنیای درونی فرد که اسمیث^۳ (۱۹۷۱) آن را "بینش او از دنیا در مغزش" می‌نامید. برای شناخت‌گرایان مهارت فهمیدن و درک یک پیام در بطن تمام فعالیت‌های ارتباطی و یادگیری قرار دارد و زبان‌آموز (با سبک شناختی خاص خود) عنصر اصلی آنها به حساب می‌آید. این رویکرد جدید مورد استفاده در آموزش زبان‌ها، تاکید بر این داشت که بی‌شک باید واکنش‌های خودکار را در زبان‌آموزان ایجاد کرد ولی در عین حال نباید اهمیت پدیده درک یا همان پردازش اطلاعات توسط زبان‌آموز را که فعالانه در جستجوی مفاهیم و معانی همه چیز است به فراموشی سپرد.

1. Ausubel

2. Carroll

3. Smith

در همین زمان تغییراتی در تحقیقات زبان شناختی مشاهده می شود و به نظر می آید که ظاهر و فرم کلمات به منظور مطالعه‌ی معنای آنها و رابطه‌شان با یکدیگر و درک پیام، رها می شود. این تاکید بر روی محتوا، واژگان را در دورنمای دیگری قرار می دهد و نقشی اساسی در مطالعه‌ی زبان برای آن قائل می شود. نوشتار نیز اهمیتی دوباره می یابد.

در چارچوب این رویکرد جدید چندین نظریه پرداز متخصص (برای مثال چاستین^۱ ۱۹۷۶) با تاکید بر این که هدف اصلی باید جستجوی معنا باشد، رویه جدیدی برای خواندن در زبان دوم مطرح می کنند. هم چنین این نظریه پردازان پیشنهاد می کنند که این یادگیری از طریق منابع متنوع صورت بگیرد که هدفشان فقط مشتاق کردن دانشجو نیست بلکه هدفشان دادن ابزاری مناسب به زبان آموز برای فراگیری واژگان است.

با وجود این، بایستی عنوان کرد که فعالیت های پیشنهادی خواندن در کلاس تا اوایل سالهای ۸۰، در واقع جهت گیری های جدید تحقیقاتی را منعکس نمی کرد. این چیزی است که از بررسی عاجل چند مجموعه‌ی آموزشی فرانسوی / زبان دوم نتیجه می شود. (کشف و خلق^۲، تالیف ژیان^۳ و هستر^۴، ۱۹۷۴؛ فرانسوی بین المللی^۵، سطح ۵، ویرایش دوم، تالیف کالوه^۶ و گودبوت^۷، ۱۹۷۵؛ فرانسه بین المللی، سطح

-
1. Chastain
 2. Découverte et création
 3. Jian
 4. Hester
 5. Français international
 6. Calvé
 7. Godbout

۶، کالوه و مک نالتی^۱، ۱۹۷۹).

به طور قطع، بخش‌های مربوط به «خواندن» در جای مناسب قرار می‌گیرند، اما هیچ توجهی نه به راهبردهای درک معنا می‌شود و نه به ویژگی خاص شرایط خواندن در زبان دوم؛ همه چیز اینگونه ختم می‌شود که گویی خواندن یعنی توانایی پاسخ دادن به چند سوال درک مطلب از تمام متن.

با وجود این دشواری‌ها و با وجود نقش کم رنگ شده‌ی رویکرد شناختی در آن دوره، مروری بر گذشته این امکان را فراهم می‌کند تا سهمی را که این رویکرد در آموزش زبان‌ها و به طور خاص نوشتار داشته است، مشاهده نماییم. به نظر می‌رسد که رویکرد شناختی منشاء حرکت گسترده‌ی تمرکز بر زبان‌آموز و تاکید بر گسترش ادراک و درک مطلب باشد یعنی اکتساب معنای یک متن. هم‌چنین به لطف همین حرکت تفکر درباره نقش نوشتار آغاز گردید؛ تفکری که زمینه را برای بازسازی و تکوین مجدد آموزش خواندن فراهم کرد.

رویکرد ارتباطی

آموزش زبان‌ها که مرحله‌ی تردید و زیر سوال بردن اصول روش‌های شنیداری-گفتاری^۲ و شنیداری-دیداری^۳ را سپری می‌کرد، در سال‌های آغازین دهه ۷۰ با کارهای هایمز^۴ که بر روی جنبه‌های اجتماعی زبان تاکید می‌کرد، از نظر تئوری پیشرفت چشمگیری کرد

1. McNulty

2. Méthode audio- orale

3. Méthode audio- visuelle

4. Hymes

(«در راه توانش ارتباطی»^۱). در سال ۱۹۷۵ با انتشار کتاب " انگلیسی سطح به سطح"^۲ راه برای کتاب مهم دیگری به نام « سطح آستانه»^۳ باز شد که در سال ۱۹۷۶ منتشر گردید. این تحقیقات مختلف به زودی منجر به ظهور رویکرد ارتباطی می شود. رویکرد ارتباطی بر این اصل استوار است که زبان ابزاری برای ارتباط و به خصوص کنش اجتماعی است. یادگیری زبان، یادگیری ارتباط است و براساس نیازهای ارتباطی زبان آموز است که روش ها و تمرین های آموزشی و همچنین محتوای درسی انتخاب می شوند. در کلاس زبان، تلاش برای برقراری ارتباط واقعی به شکل حرکت به سمت متون و فعالیت های واقعی و اصیل بروز پیدا می کند. برای محتوای کلاس ها منابع مستند و اصیل ترجیح داده می شوند یعنی آن هایی که به طور خاص برای کلاس تهیه نشده باشند و ترجیحا متونی که بیشترین تاثیر را برای برقراری ارتباط دارند. مفهوم اصالت را در فصل ۶ مورد بررسی قرار خواهیم داد. اثری در این زمینه نیز در منابع ذکر شده است (دوپلانتی^۴، ۱۹۸۶).

گوناگونی نیازهای زبان آموزان منجر به سوال در مورد جایگاه نوشتار در آموزش زبان می شود. نوشتار به زودی اهمیتی بیش از پیش خواهد یافت، اهمیتی که رویکرد شناختی نیز سعی در به رسمیت شناختن آن داشت. این اعتبار بخشی مجدد به نوشتار و به طور خاص خواندن، نشان دهنده بازگشت به روش های کلاسیک نیست؛ برعکس امروزه تاکید بر این است که عمل خواندن در بطن فرایندی ارتباطی

-
1. On communicative competence
 2. Threshold Level
 3. Un Niveau- seuil
 4. Duplantie

رخ می‌دهد که طی آن خواننده پیام را از طریق اهداف ارتباطی خاص خودش بازسازی می‌نماید. بنابراین ملاحظات اولیه‌ای را باید رعایت نمود: تمرین‌های خواندن، مانند تمام تمرین‌های ارتباطی، مستلزم توانشی پیچیده با مولفه‌های چندگانه است: مولفه‌های تسلط زبانی، متنی، ارجاعی، موقعیتی و...

دیگر آموزش نوشتار به شکل قدیم مطرح نیست و با ظهور ابزارهای آموزشی (پیشنهاد‌های روش‌شناختی و کتاب‌های درسی) خاص‌تر که تمام نیازهای زبان‌آموزان را مورد نظر قرار نمی‌دهد، تغییراتی در این زمینه رخ می‌دهند. در زمینه روش آموزش به طور خاص کتاب «شرایط نوشتن»^۱ (موآران، ۱۹۷۹) مرحله‌ی بسیار مهمی را با ارائه‌ی انواع مختلف تمرین‌های غیرخطی برای آموزش خواندن در فرانسوی / زبان دوم مطرح کرد. می‌توان بدون ورود به جزئیات چند مورد از نکته‌های مهم این کتاب را به اختصار برشمرد. در میان موقعیت‌های نوشتار، نویسنده در ابتدا نقشی را که مطبوعات می‌توانند اجرا کنند بیان می‌نماید و برخی پیشنهاد‌های روش‌شناختی را برای خواندن متون اطلاع‌رسان بیان می‌دارد. از جنبه‌ی این فن آموزش خواندن، موآران رویه‌ای را پیشنهاد می‌دهد که به دو بخش تقسیم می‌شود: مطابق این رویه ابتدا می‌توان یک پویش و بررسی کلی (اسکن) از متن داشت. این امر به زبان‌آموزان اجازه خواهد داد تا به معنی کلی متن دست یابند و از طریق شناسایی شاخص‌های حامل پیام (عنوان، عناوین فرعی، تصاویر و غیره) نظری کلی از محتوا داشته باشند. این نخستین مرحله می‌تواند با تحلیل دقیق‌تر موارد ذیل همراه گردد: موارد ساختاری و فرمی (ربط‌دهنده‌های

بلاغی، عناصر جایگزین مانند ضمایر، صفت‌های ملکی، اشاره و...، موارد موضوعی (داده‌های مرتبط با سازماندهی متن برای یک زمینه خاص موارد تفسیری (داده‌های مرتبط با بعد عملی متن، برای مثال چه کسی نوشته؟ به چه کسی؟ کجا؟ چه موقع؟ و...) این پیشنهادهای روش‌شناختی مدت‌ها در آموزش خواندن در کلاس‌های زبان مورد استفاده قرار گرفته است.

نظرات و عقاید همیشه روشن و در مسیر درست نیستند و مرور اجمالی چند رویکرد می‌تواند ما را متقاعد نماید که در آموزش زبان‌ها هیچ چیز قطعی نیست و هیچ چیز یک بار برای همیشه قابل دستیابی و اثبات نیست. با وجود این، کمی که دقیق‌تر شویم، این رویکردها و به‌طور خاص رویکردهای شناختی و ارتباطی، دستاوردهای مهمی برای ما داشته‌اند. به ویژه باید اهمیتی را که این رویکردها برای آموزش خواندن با تعیین دوباره‌ی هدف آن به ارمغان آوردند به خاطر داشته باشیم: هدایت دانشجو در مسیر جستجوی معنا و دادن نقشی حیاتی به معنا در فرایند یادگیری وی. در واقع باید، امکانات زبان‌آموز را در نظر گرفت و در عین حال مشارکتش را تشویق کرد، بردانسته‌هایش تکیه نمود و او را از برخی راهبردهای پذیرفته‌شده در خواندن متون برای دستیابی به درک پیام‌ها آگاه کرد. بدین ترتیب راه هم‌چنان برای تضمین شرایط مناسب‌تر برای یادگیری باز است.